

تطبیق دیداری نقش بز سنگ‌نگاره‌های لرگردو و کیارس خوزستان با سنگ‌نگاره‌های تیمره، مزاین و خوراوند استان اصفهان و مرکزی^۱

خدیجه اشتری لرکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

منصور کلاه کج^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴

چکیده

نقش بز یکی از نقوش پرکاربرد حیوانی است که در میان سنگ‌نگاره‌ها و دیگر آثار هنری در ترکیب با سایر نقوش یا به تنهایی به شکل‌های مختلف نمایش آن در آثار ایرانی تداوم یافته است. با توجه به دیرینگی، تنوع و پراکندگی این نقش در سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران، در این پژوهش ساختار این نقش در دو منطقه جغرافیایی ایران مقایسه شد؛ از این رو هدف پژوهش حاضر شناخت وجوه تشابه و تمایز ساختاری نقش بز در سنگ‌نگاره‌های دو منطقه جنوب غرب و مرکز ایران به منظور آشنایی بیشتر با فرهنگ بصری ایرانی است. اینکه نمایش تجسمی و مضمونی‌ای که نقش بز در بستر آن خلق شده و همچنین شیوه اجرا و ارائه این نقش در مناطق یادشده چگونه بوده، سؤالی است که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود. پژوهش حاضر کیفی و از نظر هدف بنیادی است. روش این پژوهش تحلیلی تطبیقی است و جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، میدانی و نیز پایگاه‌های علمی و پژوهشی معتبر است. بررسی کلی نقش بزهای منطقه خوزستان به ویژه در محدوده اشکفت لم گردو این گمان را تقویت می‌کند که این بزها غیر کوهی یا اهلی است و ترسیم کنندگان آنها شاید چوپانانی بوده‌اند که در هنگام چرای دام خود به تصویرگری روی آورده‌اند. همچنین تکنیک اجرایی حرفه‌ای تر نگاره‌ها در منطقه گلپایگان و خمین و ترسیم انتزاعی و خلاقانه شاخ‌ها این باور را القا می‌کند که نگارندگان این نقش‌ها احتمالاً شکارچی یا افرادی خبره به لحاظ توانایی ترسیمی بوده و بز رسامی شده آنها نیز بز کوهی است. فارغ از مقطع زمانی و نیز تقدم و تأخر خلق این سنگ‌نگاره‌ها که تاکنون مشخص نشده، به گمان نگارندگان میان نقش بز هر دو منطقه گونه‌ای پیوست و تداوم فرهنگی وجود دارد. دلیل این مدعا تداوم حالت دورانی شاخ بز تا انتهای دم یا نزدیک به سر در هر دو منطقه و همچنین تشابه شاخ بز اغلب نواحی دو منطقه بررسی شده این پژوهش با شاخ بز سفال معروف و شناخته شده شوش است که تاریخ آن از سوی باستان‌شناسان، هزاره چهارم قبل از میلاد برآورد شده است.

واژه‌های کلیدی: نقش بز، سنگ‌نگاره، کیارس گتوند، لم گردو شوشتر، خمین، گلپایگان، مزاین، تیمره، خوراوند.

1-DOI: 10.22051/JJH.2022.39128.1743

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. kashtari8@gmail.com

۳- استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده مسئول. M.kolahkaj@scu.ac.ir

مقدمه

به تمامی نقوش نوشتاری و تصویری که بر روی تخته‌سنگ‌ها، صخره‌های درون غارها، کتیبه‌های سنگی و مانند آن، حجاری یا حک می‌شدند سنگ‌نگاری یا «پتروگلیف» گفته می‌شود. سنگ‌نگاری قدیمی‌ترین و ماندگارترین بستر، ثبت تصویرنگاری بشری است و فراوان‌ترین نقش سنگ‌نگاره‌ها، معمولاً نگاره بز کوهی به‌ویژه نگاره بز نر است. نقش بز از دیرباز در فرهنگ بصری ایران حضوری پررنگ داشته و قدیمی‌ترین نمونه آن بر روی سنگ‌نگاره‌ها یافت شده است. همچنین نمونه‌هایی از این نقش بر روی انواع ظروف، دست‌بافته‌ها، پارچه‌ها، سکه‌ها و دیگر اقلام تصویری دیده شده است. نگاره‌های صخره‌ای غالباً ترکیبی از نقوش حیوانی، انسانی، گیاهی و عناصر نمادین یا نوشتاری چون کتیبه‌ها هستند که به شیوه استلیزه یا واقع‌گرایانه اجرا شده‌اند.

به‌طور عمده، سنگ‌نگاره‌ها به دو گونه کوهستانی و بیابانی، و شهری و روستایی تقسیم می‌شوند. نمونه اول سنگ‌نگاره‌های کوهستانی و بیابانی هستند که در محل استقرار سنگ یعنی کوهستان یا بیابان نقاشی یا حک شده‌اند. نمونه دیگر سنگ‌نگاره‌های انتقال داده شده از بستر کوهستان به مناطق شهری و روستایی است که پس از انتقال در محل شهر یا روستا منقوش شده است. شناخته شده‌ترین نمونه اولی در ایران سنگ‌نگاره‌های ایزه در خوزستان، گنج‌نامه همدان و شاخص‌ترین نمونه دومی، سنگ‌های مزاری، مزارستان‌های مختلف در ایران است.

به‌طور معمول موضوع سنگ‌نگاره‌های کوهستانی صحنه‌های شکار بز کوهی توسط انسان و حیوانات گوشت‌خوار، چراگاه، مراسم آیینی، کتیبه‌های نوشتاری یا بارعام‌های پادشاهی است.

سنگ‌نگاره‌های مزاری و شهری هم مکتوبات مردم نسبت به درگذشتگان، اشعار، مضامین مذهبی، مناقب، دعاها، مناجات و اعداد رمزی و نمادین است. این پژوهش با هدف ارائه تصویری بهتر از نگاره بز در حوزه تمدنی ایران و شناخت سنگ‌نگاره‌های ایران سامان یافته و به صورت خاص متمرکز بر سنگ‌نگاره‌های بیابانی و کوهستانی، منقوش به نقش بز است.

براین اساس با اتکا به مطالعات پیشین باستان‌شناسی، سنگ‌نگاره‌های دو حوزه کوهستانی و بیابانی ایران یعنی محدوده شوشتر و گتوند در استان خوزستان و

محدوده شهر گلپایگان و خمین در مرز مشترک استان‌های اصفهان و مرکزی تحلیل شده است. سنگ‌نگاره‌های محدوده استان خوزستان شامل «اشکفت لم‌گردو» در محدوده شوشتر و «دره کیارس» در محدوده شوشتر است. سنگ‌نگاره‌های استان‌های اصفهان و مرکزی هم دربرگیرنده سنگ‌نگاره‌های «تیمره و مزاین در محدوده شهر گلپایگان استان اصفهان و خوراوند در شمال شهر خمین استان مرکزی» است.

اینکه نمایش تجسمی و مضمونی‌ای که نقش بز در بستر آن خلق شده و همچنین سبک و شیوه اجرا و ارائه این نقش در مناطق یادشده چگونه بوده، سؤالی است که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود. در این پژوهش به طور مشخص نگاره نقش بز در این سنگ‌نگاره‌ها تحلیل می‌شود و سایر تصاویر و همچنین کارکرد نمادین آن در حوزه کار این پژوهش نیست.

موقعیت جغرافیایی مکان‌های مطالعه شده

همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد دو مکان مطالعه شده برای تطبیق سنگ‌نگاره‌ها، محدوده دو شهر شوشتر و گتوند در استان خوزستان و نیز سنگ‌نگاره‌های تیمره، مزاین، خوراوند در محدوده شهرهای گلپایگان و خمین در مرز مشترک میان استان اصفهان و مرکزی است. دو شهر شوشتر و گتوند در استان خوزستان با فاصله حدود ۲۰ کیلومتر در کنار یکدیگر در استان خوزستان واقع‌اند. سنگ‌نگاره‌های لم‌گردو در محدوده شهرستان شوشتر و سنگ‌نگاره‌های کیارس در محدوده شهرستان گتوند قرار گرفته‌اند. اشکفت یا غار «لم‌گردو» در روستای «پرچستان»، از توابع دهستان عقیلی در شهرستان شوشتر در دشتی به ارتفاع ۱۹۲ متر از سطح دریا واقع شده و سنگ‌نگاره سلامگاه در کیارس نیز در روستای اسماعیل‌آباد دهستان کیارس از توابع شهرستان گتوند در کنار رودخانه‌ای فصلی قرار گرفته است.

همچنین در حوالی شهر خمین و گلپایگان در مرز میان استان اصفهان و مرکزی سنگ‌نگاره‌های مختلفی وجود دارد. این سنگ‌نگاره‌ها به نام تیمره، مزاین و خوراوند شناخته شده‌اند. سنگ‌نگاره‌های این منطقه به صورت سنگ‌هایی پراکنده در میان کوه‌ها و حتی بسترخانه‌ها دیده می‌شود. تصویر (۱) موقعیت مکانی دو منطقه بررسی شده را بر روی نقشه به همراه نشانگر با نقوش شاخص هر منطقه نشان می‌دهد.



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی دو محوطه اصلی در استان خوزستان و استان اصفهان و مرکزی، بر اساس نقشه هوایی (منبع: گوگل مپ، ترسیم نقوش شاخص و نشانگرها: نگارندگان)

هدف و ضرورت پژوهش

نقش بزرگی از نقوش پر کاربرد و متنوع در آثار سنگی ایران است. شاید دلیل پر کاربرد بودن این نقش اهمیت دو گونه اهلی و وحشی آن برای دامداران و شکارچیان بوده است؛ از این رو به دلیل تنوع و کاربرد فراوان آن ضروری است که این نقش در هر منطقه شناسایی شده تا علاقه مندان به این حوزه از ویژگی ساختاری آن برای کاربردهای گوناگون از جمله کاربردهای نمادین بهره بگیرند. دلیل انتخاب این دو محوطه، فراوانی نقش بز در دو منطقه است. همچنین در برخی از پژوهش‌هایی که درباره سنگ نگاره‌های ایران انجام گرفته، سنگ نگاری‌های موضوع بررسی شده نادیده گرفته شده که در پیشینه به این موضوع اشاره شده است. با توجه به آنچه گذشت به گمان نگارندگان، این پژوهش مکمل پژوهش‌های مرتبط با این حوزه نیز هست.

روش پژوهش

پژوهش حاضر که ماهیتی تطبیقی دارد از منظر هدف بنیادی و از نظر رویکرد کیفی است. اطلاعات این مطالعه از منابع مکتوب کتابخانه‌ای، مقالات تخصصی پایگاه‌های علمی و اطلاعاتی معتبر و برخی از منابع میدانی به دست آمده است. در این فرایند با استفاده از شواهد بصری، نقش بز در سنگ نگاری‌های دو حوزه مطالعه شده، تحلیل و تطبیق و سپس نتیجه‌گیری شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل پنج منطقه سنگ نگاره‌ای ایران با سنگ نگاره‌های متعدد و فراوانی نقش بز است. در محدوده اشکفت لم‌گردوی شوشتر، مجموعاً ۲۶ نگاره وجود داشت که ۱۰ نقش آن بز کوهی است و ۱۶ نقش دیگر حیوانات گوشت خوار و باربر هستند. همچنین نقشی شبیه به انسان استلیزه شده که چیزی شبیه به کمان در دست دارد، در نقوش این

منطقه دیده شده است. سنگ نگاره‌های منطقه کیارس نیز مجموعاً ۱۱ نگاره است که ۹ نگاره آن بز کوهی و ۲ نگاره دیگر آن نشان دهنده حیوانی باربر و انسانی با ابزاری شبیه تیروکمان است. همچنین در سوی دیگر این تطبیق، یعنی حوزه استان مرکزی و اصفهان با توجه به فراوانی نقش بز به منظور عدم تکرار و تشابه آنها، جمعاً ۱۶ نگاره بز کوهی در حالات مختلف از این منطقه به صورت هدفمند انتخاب شد که در این میان ۵ نقش آن از محوطه تیمره، ۷ نقش از محوطه دره مزاین و ۴ نقش هم از محوطه کوه‌های خوراوند بوده‌اند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی تاکنون بر روی سنگ نگاره‌های مناطق مختلف ایران از جنبه‌های زیبایی‌شناسی، تحلیل نقوش، نمادشناسی، نشانه‌شناسی و مانند آن انجام شده است. آنچه در این پژوهش عمدتاً محل توجه است، تحلیل تطبیقی ساختار بصری نقش بز و نیز موضوعی که این نقش بر بستر آن شکل گرفته در سنگ نگاره‌های دو حوزه مشخص شده است. مرتبط‌ترین نوشتار به یک حوزه این مقاله یعنی منطقه خوزستان و ب نوشته‌های (گفت و گوهای خبری و مانند آن) مجتبی گهستونی^۱ کنشگر میراث فرهنگی خوزستان است. محمد ناصری فرد هم در گزارشی منتشر نشده و اختصاصی که در میراث فرهنگی شوشتر موجود است، سنگ نگاره‌های اشکفت لم‌گردو را معرفی کرده و از سنگ نگاره‌های کیارس نیز نام برده است (ناصری فرد، ۱۳۹۰: ۳-۴). آرشیا اختصاصی میراث فرهنگی شوشتر). همچنین مرتبط با حوزه دیگر این موضوع، یعنی محدوده استان مرکزی و اصفهان، دو مقاله از مرتضی فرهادی و دیگران در سال‌های (۱۳۷۴) انتشار یافته است. فرهادی (۱۳۷۴) در مقاله‌ای به نام «موزه‌هایی در باد؛ معرفی مجموعه عظیم سنگ نگاره‌های نو یافتۀ تیمره» نقوش این سنگ نگاره‌ها را بررسی و از منظر نمادشناسی تحلیل کرده است. وی همچنین در مقاله «گمانه و چون و چراهایی بردیدگری‌های نقوش صخره‌ای تیمره» (۱۳۷۴)، محتوا و مضمون سنگ نگاره‌های واقع در تیمره و هویت نگارگران آن را بیان کرده است.

پریسار شیددی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به نام «بررسی و تحلیل سنگ نگاره‌های تیمره و قابلیت‌های آن در گرافیک»، مفاهیم سنگ نگاره‌های این منطقه را از منظر نمادشناسی

بیان کرده و محتوا و مضمون و همچنین قابلیت گرافیکی آنها بررسی کرده است. بیرامون همین موضوع نیز مجتبی سرمدی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «نمادشناسی نقش بز کوهی در سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ منطقه تیمره استان مرکزی»، به نمادشناسی، شناخت معنا، مفاهیم، مضمون و محتوای نقش بز کوهی در سنگ‌نگاره‌های مختلف منطقه اشاره شده پرداخته است. به کوشش محمدحسین ماهری (۱۳۹۱)، پژوهش دیگری بیرامون منطقه تیمره به نام «بررسی نمادهای ارتباطات غیرکلامی سنگ‌نگاره‌های منطقه تیمره گلپایگان» انتشار یافته که شناخت نمادهای ارتباط غیرکلامی از نظر معنا و مفهوم و همچنین بررسی فرهنگ مردم از طریق نشانه‌شناسی و جنبه‌های گوناگون ارتباط غیرکلامی محور آن بوده است.

لیلا کریمی (۱۳۹۴)، هم در پژوهش خود با عنوان «بررسی نمادها و نقوش سنگ‌نگاره‌های تیمره»، مفاهیم نمادین سنگ و انواع نقوش این منطقه را تحلیل و نقوش گیاهی و حیوانی آن را تقسیم بندی کرده است. وی بر این باور است که بیشترین نقوش مبتنی بر باورهای آیینی بوده است.

محمد ناصری فرد (۱۳۸۸)، هم در کتاب سنگ‌نگاره‌های ایران: زبان مشترک جهانی، برخی از سنگ‌نگاره‌های ایران، مختصات جغرافیایی و نمادپردازی نقش بز کوهی در آنها را بررسی کرده و بر این باور است که بز کوهی در سفال ایرانی نماد باران خواهی است و در اقوام باستانی مظهری از عناصر مفید در طبیعت است؛ به عنوان مثال در لرستان بز کوهی، نماد خورشید و در برخی جاها نمادی از باران است.

مقاله دیگری در حوزه میانی این تحقیق به نام «مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقوش بز در سنگ‌نگاره‌های منطقه شتر سنگ» خراسان رضوی با نقوش مشابه در فلات ایران» به نویسندگی فرزانه نجفی (۱۳۹۹) انتشار یافته که بخشی از نتیجه آن به شرح پیش روست: برخلاف اغلب مناطق ایران در منطقه «شتر سنگ» نقوش حیوانی از جمله بز کوهی، بدنی پهن با طول بدن کوتاه‌تر، فاقد کشیدگی و در مواردی بز با بدنی پروانه‌ای شکل (متشکل از دو مثلث) با شاخی بسیار بلند با شیب کم یا گردنی بلند مشاهده می‌شود. در این مقاله علی‌رغم ارائه نقشه سنگ‌نگاره‌هایی با نقش بز در ایران به نقش بز در دو حوزه بررسی شده این پژوهش اشاره‌ای نشده است.

همچنین سایر مقالات حوزه بالادست موضوع (سنگ‌نگاره‌ها) بدین شرح است: علیرضا حصار نوری

(۱۳۸۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «سنگ‌نوشته‌های کوه رمه» سنگ‌نوشته‌های کوه رمه را در استان یزد و اکاوی کرده و گفته است که اغلب سنگ‌نگاره‌های این منطقه نقوش حیوانی و انسانی هستند. آنیسا آیتی‌زاده (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی سنگ‌نگاره‌های باستانی اسبفته یزد»، باورها و اعتقادات مردم در به‌کارگیری حجاری نقوش صخره‌نگاری، نمادها، معنا و مفاهیم انواع نگاره‌ها از جمله نقوش نمادین، گیاهی، حیوانی، انسانی و ابزارها را بررسی و تحلیل کرده است.

سارا صادقی و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های محدوده تاریخی خراسان بزرگ در استان خراسان جنوبی»، ضمن بیان موقعیت جغرافیایی بیست منطقه تاریخی توابع استان خراسان و دسته‌بندی انواع نقوش آن، کیفیت، نحوه قرارگیری، محتوا و مضمون نقوش را بررسی کرده‌اند. موسی سبزی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت نام «بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های بروجرد، استان لرستان» سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف بروجرد، مانند بیچون بالا، دودانگه، کمره، قپانوری، چچگاکافران را ابتدا معرفی، سپس ویژگی‌های کلی و جغرافیایی این صخره‌نگاری‌ها و نقوش انسانی و حیوانی آن را تحلیل و بررسی کرده‌اند و در نهایت آن را نمادین دانسته‌اند. این دو پژوهش به نقل از دیگران گفته‌اند: در هنر صخره‌ای ایران، نقش بز کوهی بیانی نمادین، آیینی و اسطوره‌ای داشته است.

قیاس با پیشینه

پژوهش‌های پیشین به‌طور عمده متمرکز بر گزارش وضعیت دو منطقه بوده و تحلیلی شمایی از این نقوش انجام نداده‌اند. تمایز این موضوع تطبیقی بودن آن با جزئیات چهارگانه، ساختار شمایی، مضمون و محتوی، شیوه ترسیم، تکنیک اجرایی با نگاه تجسمی و براساس یک فرایند پژوهشی با نگاه ویژه به پژوهش‌های پیشین است.

مفاهیم پژوهش

سنگ‌نگاره (هنر صخره‌ای)

سنگ‌نگاره‌ها که قسمی نحوه ایجاد آنها را یک فرایند کاهشی دانسته (قسیمی، ۱۳۹۸: ۲۶)، یکی از بسترهای مهم ارتباطی بیان مکنونات بشری پیش از تاریخ‌اند که به آنها پتروگلیف^۱ یا کنده‌کاری^۲ نیز گفته می‌شود. به‌گفته

ناصری فرد، تاکنون هیچ پدیده‌ای به قدمت سنگ نگاره‌ها به دست بشر کشف نشده است (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۲). دربارهٔ قدمت سنگ نگاره‌ها نظرات متعددی وجود دارد؛ از جمله آناتلی که آن را سندن ۴۰ هزارسالهٔ تلاش انسان و انتقال دهندهٔ پیام‌ها، باورها و اعتقادات و تاریخ عقلانی بشر دانسته است (آناتلی، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۰). دربارهٔ مکان و قدمت سنگ نگاره‌ها هم ناصری فرد می‌گوید: سنگ نگاره‌های کنده‌کاری شده علاوه بر اینکه در غارها کشف شده‌اند در محوطه‌های باز و بیرون غارها نیز وجود دارند (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۲). علاوه بر آن سنگ نگاره‌ها در میان کوه‌ها، دره‌ها، بیابان‌ها و زیستگاه‌های عشایری، چراگاه‌ها و مانند آن نیز دیده شده است.

روش حک و سبک اجرایی سنگ نگاری‌ها

در فرایند کاهشی ترسیم نقش بر روی سنگ نگاره‌ها، به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود. خراشیدن یا برداشتن سطح سنگ، خالی کردن دور تصویر و برجسته کردن آن نمونه غالب شیوه‌های ایجاد نقش بر روی سنگ است. دیگر شیوهٔ اجرایی حک کردن تصویر در دل سنگ به صورت سطح یا خطوط محیطی و چون آن است. همچنین حک تصویر بر روی سنگ به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود. یکی از این روش‌ها، کنده‌کاری و خراش سنگ با اجسام نوک تیز و فلزی است. دیگر روش اجرایی سنگ نگاره‌ها کنده‌کوبشی یا کوبشی است. در این روش نگارگران به وسیلهٔ ضربات متوالی و پی‌درپی با فلز و اجسام دیگر حکاکی می‌کردند. سبک اجرایی نقوش نیز دو گونه است: یکی شیوهٔ انتزاعی و استلیزه است که به صورت خلاصه نگاری با خط‌های ضخیم و نازک بر صخره‌ها و سنگ‌ها نقر و حکاکی می‌شدند، این دسته جزء فراوان‌ترین اشکال یافت شده هستند؛ دستهٔ دوم این نقوش شیوهٔ واقع‌گرایانه است که در این شیوه بدن حیوانات دارای حجم نسبی نسبت به نمونهٔ واقعی است. سایر نقوش نیز ترکیبی از این دو شیوه هستند.

مضامین غالب سنگ نگاره‌ها

با توجه به اسناد و منابع موجود، می‌توان نقوش سنگ نگاره‌ها را از لحاظ مضمون و محتوا به چند دسته تقسیم کرد: دستهٔ اول شامل انواع نقوش تصویری، چون نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی، اشکال هندسی، ابزارها و اشیاء به شکل واقعی و انتزاعی است و دستهٔ دوم

شامل کتیبه‌های نوشتاری به زبان‌های کهن، چون خط نوشته‌های عیلامی، عبری و مانند آن است.

نگارهٔ بزکوهی در جهان

در میان مناطق مختلف جهان نقوش مختلفی از انواع بز دیده شده است. ناصری فرد، شمار این نقش را در یک منطقهٔ محدود در ایران افزون بر ۲۱ هزار مورد دانسته است (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۲). به گفتهٔ صادقی و دیگران در آثار پیش از اسلام ایران چون ماد، هخامنشی و نیز غارهای لرستان نمونه‌هایی از نقش بز دیده شده که دلیل تنوع و فراوانی این تصویر در نگاره‌های ایرانی، نقش نمادین آن است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۰). برخی منابع از جمله چیت‌سازان و دیگران به نقل از کوپر، به جابه‌جایی نقش بز با سایر نقش‌های چون غزال و بزکوهی اشاره کرده‌اند (چیت‌سازان و روستایی به نقل از کوپر، ۱۳۹۲: ۱۰). بر ایند آنچه گفته شده نشان می‌دهد که بز در قالب دوگانهٔ اهلی و کوهی آن پراهمیت بوده است. دلیل اهمیت بز اهلی و رام شدهٔ نقش آن در زاد و ولد و شیردهی و رونق دامداری بوده و دلیل اهمیت نوع کوهی آن نیز زیبایی و کیفیت گوشت آن است که همواره مدنظر شکارچیان بوده است. در طول تاریخ در ساختار طراحی بدن بز تغییراتی به وجود آمده که افضل طوسی در این خصوص به کم‌رنگ شدن طبیعت‌گرایی در این نقش از پیش از تاریخ تا دوران تمدن باستان و نیز تضعیف اغراق در شاخ‌ها نسبت به دوران پیش از تاریخ، اشاره کرده است (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۶۵).

معناهای نمادین بزکوهی

به نظر می‌رسد نقش بز در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف معناهای متفاوتی داشته است. عنصر مفید طبیعت، نماد خورشید (در لرستان) و نماد باران خواهی (در سفال ایرانی) برخی از این معناها بوده که قبلاً به نقل از برخی منابع به آنها اشاره شد. شیخ اکبری زاده و دیگران، هم بز را در آثار منطقهٔ لرستان، حیوان خورشید و گاهی نمادی از فرشتهٔ باران دانسته‌اند (شیخ اکبری زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۶-۲۰۵). مظهر فرشته، نمادی از رب‌النوع، نیروی زندگی، خالق انرژی و نگهدارندهٔ درخت زندگی، خدای باران، نمادی از ماه و سرچشمهٔ نزول باران و همچنین ازدیاد محصول و باروری از دیگر معانی بوده که بهنود و دیگران به نقل از سایر منابع برای نقش بز ذکر کرده‌اند (بهنود و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲).



تصویر ۱-۳



تصویر ۲-۳

تصاویر ۳. سنگ نگاره‌های محوطه باستانی اشکفت (غار) لم‌گردو و طراحی نقش‌های روی آنها. برخی از نقوش به علت تخریب افراد ناآگاه فرسایش یافته‌اند. سمت راست: انواع نگاره بز. حیوانات گوشت‌خوار، در قسمت بالا نقش انتزاعی شبیه انسانی شکارچی و در سمت چپ تصویر نقش نمادین ۱ و نیز چند نقش بز نیمه‌کاره فرسایش شده دیده می‌شود (علیزاده، ۱۴۰۰؛ آرشیو اختصاصی میراث فرهنگی شهرستان شوشتر، ترسیم طرح‌ها: نگارندگان)

تحلیل نگاره بز کوهی محوطه اشکفت لم‌گردو و شوشتر
در اشکفت لم‌گردو که ترکیبی از غار طبیعی و دست‌کند انسانی است، دو سنگ نگاره وجود دارد. تصویر (۲) روی این سنگ نگاره‌ها نقوش متنوع حیوانی و خطوط نمادین بردو تخته سنگ در مجاور هم حک شده است. مجموعه تصاویر (۳). اندازه نگاره‌ها حدود ۲۰ سانتی‌متر است و اندازه هر سنگ نگاره حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر است. قطر سنگ‌ها از حدود ۴۰ تا ۶۰ سانتی‌متر متغیر است. به‌گفته کارشناسان میراث فرهنگی شوشتر، این سنگ نگاره‌ها علی‌رغم قدمت زیاد تاکنون سال‌یابی نشده‌اند و به‌گفته مردم محلی منطقه، این نقوش از چند سده پیش در شهر شوشتر وجود داشته‌اند.

ساختار بدن بز کوهی: در نقوش این محوطه، نگاره بز کوهی بیش از سایر حیوانات دیده می‌شود. آناتومی بدن برخی از بزهای کوهی در این سنگ نگاره‌ها به وسیله دو خط افقی با فاصله زیاد شبیه به مستطیل از نیم‌رخ رسم شده است. بدن برخی از نقوش‌ها به صورت راه‌راه ترسیم شده است. تصویر (۳-۱). نگاره‌های دیگری از بز کوهی در این تخته سنگ به صورت دو خط افقی نازک با فاصله کمی از هم رسم شده‌اند، شکل شاخ‌های بز کوهی به صورت جفت و از حالت طبیعی برخوردار است. در این محوطه شکل شاخ بز

همچنین بنا بر نوشته‌های صادقی، بز در اساطیر ایران باستان نیز یکی از نمادهای شاخص آبادانی و فراوانی و نماد آب نیز بوده است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۲). همان‌گونه که گذشت تعدد مفاهیم نمادین بز احتمالاً به دلیل وجود دو گونه آن یعنی بز کوهی و بز اهلی است که ممکن است برخی معنای نمادین ارجاع به یکی از این دو گونه داشته باشد. همچنین دلیل دیگر تعدد معنای نمادین بز، بازخوانی این مفهوم از عمق یک دوره طولانی تاریخی در مناطق مختلف است. به‌گفته طاهری این حیوان مظهر قدرت به شمار می‌رفته و همواره جلودار رمه بوده است (طاهری، ۱۳۹۸: ۱۲۲).

تحلیل نقش بزهای «اشکفت لم‌گردو» و سلامگاه «کیارس» منطقه خوزستان

در میان سنگ نگاره‌های منطقه خوزستان نقوش متعددی از بز کوهی دیده می‌شود. این سنگ نگاره‌ها یکی در محدوده شهرستان شوشتر در مکانی به نام اشکفت (غار) لم‌گردو و دیگری در محدوده شهر گتوند در منطقه کیارس در کنار رودخانه فصلی واقع شده‌اند. جنس سنگ‌های منطقه خوزستان که اغلب رنگی روشن دارند با جنس سنگ‌های سایر نقاط کشور متفاوت است. به‌گفته علی‌رضا زراسوندی^۴ (۱۴۰۱) سنگ‌های منطقه شوشتر و گتوند در منطقه (زون) زاگرس قرار دارند و جنس آن آهکی رسی است که نقش و نگار کردن بر روی آن راحت‌تر و فرسایش آن سریع‌تر است. این سنگ رسوبی در منطقه گتوند، شوشتر و شمال غرب دزفول و دامنه‌های زاگرس در محدوده خوزستان به وفور دیده می‌شود. سنگ‌های دو منطقه از خوزستان حدوداً از یک جنس و رنگ هستند.



تصویر ۲. علائم و نقوش نمادین در بالای اشکفت لم‌گردو، (علیزاده، ۱۴۰۰؛ آرشیو اختصاصی میراث فرهنگی شهرستان شوشتر)

تحلیل نگاره بز سلامگاه کیارس، گتوند، خوزستان






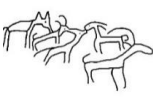




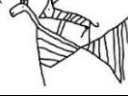



در محوطه سلامگاه کیارس گتوند نیز، فراوان ترین نقش، نگاره بز کوهی است. در این منطقه ۳ سنگ نگاره وجود دارد: یکی از آنها تخته سنگ افراشته‌ای در نزدیکی محل آسیاب است که خطوط و نقوشی بر روی آن نمایان است. به گفته علیزاده، کارشناس میراث فرهنگی شوشتر (۱۴۰۰) «در این محوطه سنگ نگاره‌های متعدد سنگ ماسه‌ای با بافت ریز و صیقلی دیده شده است». مانند سنگ نگاره قبلی تاریخ دقیق این سنگ نگاره‌ها تاکنون مشخص نشده است. اندازه حدودی نقش‌های این سنگ نگاره کمتر از ۲۰ سانتی متر است و اندازه سنگ نگاره در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سانتی متر است. در این محوطه باستانی نقوش متنوع بز کوهی و نقش استیلیزه شده انسان و حیوانی ناشناخته بر سه تخته سنگ حک شده است. تصاویر (۵).




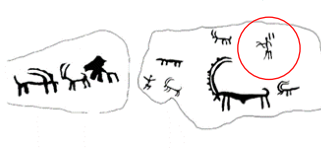










ساختار بدن بز کوهی: در سنگ نگاره‌های این محوطه نقوش منحصربه‌فردی از نگاره بز کوهی به چشم می‌خورد. آناتومی بدن حیوان به صورت خطوط افقی از زاویه نیم رخ با کشیدگی بدن در اغلب نگاره‌ها ترسیم شده است. در زیر شکم نگاره بز کوهی با شاخ‌های دنداندار زائده‌ای کوچک وجود دارد که غالباً برای حیوان نر به کار برده می‌شود. تصویر (۱-۶) غالب نگاره‌های بز کوهی این تخته سنگ‌ها دارای شاخ‌های کم‌اند بلند به عقب برگشته است. در نگاره (۶-۲) در شکل شاخ‌ها اغراق شده و تا انتهای بدن حیوان به نمایش درآمده است. در نگاره (۱-۶) شکل شاخ دنداندار

کوهی غالباً به صورت خطوط باریک به نمایش درآمده و با قوسی اندک به سمت عقب کنده‌کاری شده است. فرم پوزه حیوان به صورت خطی و سه‌گوش به نمایش درآمده است و دم آن به صورت قوس دار گرد، به سمت بالا و پایین بدن حیوان رسم شده است. در این سنگ نگاره، غالباً فرم پاها به صورت خطوط عمودی نازک و ضخیم به نمایش درآمده است و حس تحرک و پویایی در نگاره‌ها مشهود است.

موضوع نقش‌ها: در این سنگ نگاره حالات مختلفی از بز کوهی در مواجهه با حیوانات گوشت خوار که احتمالاً (گرگ) است دیده می‌شود. تصویر (۳-۱). همچنین صحنه‌ای از چراگاه با توجه به حالت ساکن بز کوهی از نوع تصویرسازی این نگاره دریافت می‌شود. ناصری فرد^۲ بر این گمان است که این نگاره‌ها دارای مضامینی آیینی هستند، وی وجود علامت (۱) را در این محوطه دلیل چنین ادعایی می‌داند (ناصری فرد، ۱۳۹۰: ۳-۴، آرشیو اختصاصی میراث فرهنگی شوشتر). تصویر (۲-۳).

سبک ترسیم نقش: طراحی این نگاره‌ها خطی و اغلب واقع‌گرایانه است و برخی از آنها تصاویر انتزاعی استیلیزه و (خلاصه‌سازی) شده است. گونه واقع‌گرایانه آن با دقت و ظرافتی اندک به نمایش درآمده، بدن حیوان در این نقوش به نمونه واقعی شباهت دارد و حجم نسبی از بدن و شاخ‌ها دیده می‌شود. تصویر (۳-۱). همچنین شیوه اجرای این سنگ نگاره‌ها اغلب به صورت کنده‌کاری (خراشیدن) به واسطه اجسام نوک تیز است.

			
			
تصویر ۴-۴	تصویر ۳-۴	تصویر ۲-۴	تصویر ۱-۴
			
			
تصویر ۸-۴	تصویر ۷-۴	تصویر ۶-۴	تصویر ۵-۴
تصاویری صحنه‌هایی مختلف از شکار بز کوهی در تقابل با حیواناتی گوشت خوار (سگ و گرگ)، در تصویر ۴-۸ نگاره‌ای دیده می‌شود که به اعتقاد برخی از منابع این تصویر اسب و برخی منابع دیگر چون نجفی (۱۳۹۹) تصاویر پروانه‌ای با بدن دومثلث را بز دانسته‌اند (علیزاده، ۱۴۰۰: آرشیو اختصاصی میراث فرهنگی شهرستان شوشتر، ترسیم: نگارندگان)			

				
				
تصویر ۵-۲	تصویر ۵-۱			
تصاویر ۵. سنگ‌نگاره‌های سلامگاه کیارس گتوند خوزستان، برخی از نقوش به علت تغییرات آب و هوایی فرسایش یافته‌اند (علیزاده، ۱۴۰۰، آرشیو اختصاصی میراث فرهنگی شوشتر، ترسیم: نگارندگان)				
				
				
تصویر ۶-۵	تصویر ۶-۴	تصویر ۶-۳	تصویر ۶-۲	تصویر ۶-۱
تصاویر ۶. جزئیات تصاویر سنگ‌نگاره‌های کیارس (علیزاده، ۱۴۰۰، آرشیو اختصاصی میراث فرهنگی شوشتر، ترسیم: نگارندگان)				

به واسطه ضربات پی در پی است.

تحلیل نگاره بز کوهی مناطق سه‌گانه استان‌های اصفهان

و مرکزی (تیمره، مزاین، خوراوند)

از سه منطقه تیمره، مزاین و خوراوند، دو منطقه اول یعنی تیمره و مزاین در حوالی شهر گلپایگان استان اصفهان و سنگ‌نگاره‌های خوراوند در محدوده شهر خمین استان مرکزی قرار دارند. جنس سنگ‌نگاره‌های این منطقه و نیز رنگ آنها با سنگ‌نگاره‌های منطقه خوزستان متفاوت است. به‌گفته‌ی علیرضا زراسوندی (۱۴۰۱) سنگ‌نگاره‌های این منطقه در محدوده (زون) ناحیه‌ای موسوم به سنندج قرار دارند که دارای دو نوع سنگ آذرین و دگرگون شده هستند. این سنگ‌ها غالباً ورقه‌ای هستند و حک نقش‌ونگار بر روی آنها مشکل است و سختی این نوع سنگ، خراش‌ها را به اعوجاج و بی‌نظمی می‌کشاند.

به‌علت پراکندگی سنگ‌های نگاره‌های مناطق سه‌گانه گلپایگان، خمین و همچنین استقرار آنها در پهنه بالا و پایین کوه یا اتصال آنها به بدنه یا دامنه کوه، اندازه سنگ و حجم آنها متفاوت است. از ویژگی‌های سنگ‌نگاره‌های این منطقه نیز فراوانی نقش بز است که در ادامه مناطق یادشده بررسی می‌شود.

و بلند ترسیم شده است. شاخ‌های بلند و دندان‌های برخی از نگاره‌ها، نشان از تفاوت این نقوش با سایر نگاره‌هاست. گمان می‌رود شاخه‌های دندان‌های، نشان دهنده سن بالای حیوان باشد. در تخته‌سنگ افراشته، نیز نقش بز کوهی نیمه‌نشسته با شاخ‌هایی به عقب برگشته دیده می‌شود. شکل پوزه بز کوهی با خطوط ضخیم و چسبیده به شاخ‌ها و گردن به نمایش درآمده است. در برخی نگاره‌ها دهان حیوان به صورت نیمه باز و در حال چرا به تصویر کشیده شده و در برخی از نگاره‌ها پاهای حیوان در حال حرکت نشان داده شده است که فرار، دویدن یا تحرك آن را تداعی می‌کند.

پاها به صورت خطوط نازک و ضخیم ترسیم شده و پاهای جلویی بلندتر از پاهای عقب ترسیم شده و حالتی شیب‌دار دارد. دم حیوان به دو صورت است که در بیشتر نقوش با قوسی روبه بالا و در یک نگاره دم بز با قوس اندکی به سمت پایین به نمایش درآمده است.











موضوع نقش‌ها: صحنه‌های این سنگ‌نگاره چرا و شکار است و شاهد آن تصویر مردی شکارچی است که در سنگ‌نگاره (۵-۱) دیده شده است.

سبک ترسیم نقش: سبک ترسیم این نقوش ترکیبی از سبک واقعی و انتزاعی استلیزه شده است و شیوه اجرایی نگاره بز کوهی کیارس غالباً به روش کنده‌کاری و کنده‌کوبشی

تحلیل نگاره بز کوهی تیمره گلپایگان

سنگ نگاره‌های تیمره در شمال شهر گلپایگان و در نزدیکی محدوده استان مرکزی قرار دارند. اندازه نقش بز سنگ نگاره‌های این منطقه حدود ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر است. نگاره‌های این منطقه با کنتراست رنگی متفاوت

در سنگ نگاره (۷-۵) نقش بز کوهی با شاخ لوزی (مربع) دیده می‌شود که در سایر مناطق ایران به ندرت مشاهده شده است. در تصویر (۷-۳) بز کوهی با شاخ‌هایی به شکل دندانه دار دیده شده که از نظر شکلی به نگاره (۵-۱) منطقه کیارس گتوند شباهت دارد. فرم پوزه حیوان به صورت

		
		
تصویر ۳-۷	تصویر ۲-۷	تصویر ۱-۷
		
		
	تصویر ۵-۷	تصویر ۴-۷
تصاویر ۷. نقش بز در سنگ نگاره‌های تیمره گلپایگان (ناصری فرد: ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۲۴، ترسیم: نگارندگان)		

دیده می‌شود که نشئت گرفته از جنسیت سنگ است. در این منطقه سنگ نگاره‌ها در مناطق مختلفی از کوه پراکنده شده‌اند. به علت همین پراکندگی و تشابه سنگ نگاره‌ها نمونه تصاویر (۷) از میان سنگ نگاره‌های این منطقه انتخاب شده است.

ساختار اجرایی نقش بز: در تمام این نگاره‌ها آناتومی بدن بز از زاویه نیم رخ ترسیم شده و دارای حجمی نسبی و به نسبت واقع‌گرایانه‌اند. شکل بدن بز کوهی به صورت استلیزه (خلاصه نگاری) با خطوط نازک، ضخیم و به شکل مستطیل ترسیم شده است. در تصاویر (۷-۴ و ۷-۵) که به نظر می‌رسد بز نر (پازن) است، هیکل بز متناسب با شاخ‌ها قوی و تنومند ترسیم شده، در حالی که در سایر نگاره‌ها این‌گونه نیست. همچنین شکل شاخ بز در این دو نگاره متفاوت است. در نگاره (۷-۴) بز کوهی با چهار شاخ مدور در محدوده سر بز ترسیم شده که در میان حوزه‌های بررسی شده این تحقیق منحصر به فرد است. همچنین

سه گوش و غالباً به سمت پایین است. دم حیوان به سمت بالا با قوس اندکی به سمت داخل رسم شده و پاهای آن با خطوط نازک و ضخیم به نمایش درآمده‌اند.

موضوع نقش‌ها: محتوا و مضمون این نقوش غالباً چرا و شکارگاه بز کوهی را نشان می‌دهد. این نگاره‌ها به صورت صحنه‌هایی جداگانه و نمایشی از روایات گوناگون است. در برخی نگاره‌ها نقش بز القاکننده تحرک و پویایی است. سبک ترسیم نقش: شیوه طراحی نقش بز در این منطقه ترکیبی از خط و سطح و در قسمت‌های مختلف بدن فرم‌ها انتزاعی و واقع‌گرایانه و روش اجرایی به صورت کنده‌کوبشی و کنده‌کاری است.

تحلیل نگاره بز کوهی مزاین، گلپایگان

منطقه مزاین در نزدیکی تیمره و نزدیک به شهر گلپایگان است. اندازه نقش بز در این منطقه نیز حدود ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر است. در این منطقه نگاره‌هایی به صورت مترکم

و مشخص با کنتراست رنگی متفاوت برسنگ‌ها دیده می‌شوند. مجموعه تصاویر (۸).

ساختار اجرایی نقش بز: در این نگاره‌ها بدن بز از زاویه نیم‌رخ، با خطوط نازک و ضخیم و واقع‌گرایانه به شکل مستطیل به نمایش درآمده است. در نگاره (۸-۵) گردن بز بلند و منحصربه‌فرد است و حیوان را در حال خیز برداشتن نشان می‌دهد و حس حرکت در آن بیش از سایر نگاره‌هاست. در نگاره (۸-۱) شاخ بز با قوس‌های متعدد از حالت واقعی خارج و شکلی انتزاعی به خود گرفته است. در برخی از نگاره‌های این منطقه نقش بز به صورت واقع‌گرایانه و خطی اجرا شده که از لحاظ شکلی به نقش بز کوهی در محوطه اشکفت لم‌گردوی شوشتر تصویر (۴-۳) شباهت دارد.

شاخ‌های بز در نگاره‌های این منطقه به سه حالت مدور، معمولی و مدور یا با قوسی تا انتهای دم دیده شده است. نمونه‌هایی از نقش بز، منطقه مزاین بسیار منحصربه‌فرد است، به طوری که گردن بز به شاخ‌های دورانی متصل است. تصویر (۸-۱). در برخی دیگر نیز فرم پوزه حیوان در حالتی سه‌گوش با دهانی باز ترسیم شده که نشان دهنده فضای چراگاه است. تصویر (۸-۳). در نگاره (۸-۵) پوزه حیوان ترسیم نشده و پای‌های آن با خطوط نازک و ضخیم ترسیم شده و دم آن نیز با اندکی قوس کوتاه به سمت بالا

کشیده شده است.















موضوع نقش‌ها: مضمون نقش‌های این منطقه نیز غالباً صحنه‌های چراوشکار است و این صحنه‌ها در ترکیب با سایر نقوش این سنگ‌نگاره‌ها مشاهده می‌شود.

سبک ترسیم نقش: این نگاره‌ها اغلب به صورت سطح طراحی شدند و شیوه آنها ترکیبی از سبک انتزاعی و واقع‌گرایانه و روش اجرای این نقوش سایشی، کنده‌کاری و کنده‌کوبشی است.

تحلیل نقش بز کوهی خوراوند خمین


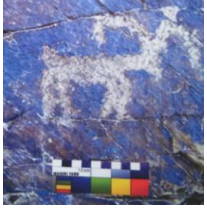






منطقه خوراوند در محدوده شمال شهر خمین استان مرکزی قرار دارد. جنس سنگ این منطقه مانند دو محدوده قبلی مرکز ایران از نوع سنگ‌های دگرگون شده است. سایر مشخصه‌های این منطقه چون اندازه سنگ‌ها و نگاره‌ها و محل استقرار آنها نیز مانند دو نمونه قبلی مرکز ایران است.

ساختار اجرایی نقش بز: در محوطه خوراوند نیز نقش بز کوهی در حالات گوناگون به تصویر کشیده شده است. در این نگاره‌ها نیز آناتومی بدن بز کوهی ترکیبی از واقع‌گرایی، انتزاعی استلیزه است و غالباً بدن از نیم‌رخ ترسیم شده است. در این محدوده برخی نقوش از حجم نسبی برخوردارند. با توجه به آنچه تاکنون گذشت تنومندی بدن و بزرگی شاخ بزها، حکایت از نبودن آنها دارد. تصاویر

			
			
تصویر ۸-۳	تصویر ۸-۲	تصویر ۸-۱	
			
			
تصویر ۸-۷	تصویر ۸-۶	تصویر ۸-۵	تصویر ۸-۴
تصاویر ۸. نقش بز سنگ‌نگاره‌های مزاین گلپایگان (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۵۲، ترسیم: نگارندگان)			

(۱-۹ و ۳-۹). در تصویر (۳-۹) شاخ بز کوهی به صورت مدور با قوسی اندک ترسیم شده است. بز کوهی با شاخ مدور به پهلواز جمله فرم های ترسیم شده در این نگاره ها هستند. این نقوش در صحنه هایی جداگانه و در مناطق مختلف مزاین مشاهده شده اند. فرم پوزه حیوان در این نگاره ها

در حالی که اغلب نقش بزهای ناحیه مرکزی ایران با عنصر تجسمی سطح انجام شده است. همچنین ترسیم عنصر نرینگی که در یکی از نقش بزهای سلامگاه کیارس دیده شده و نیز کشیدگی بدن بز در همین منطقه تفاوت عمده دیگر نقش بدن بز در میان دو حوزه مطالعه شده است.

			
			
تصویر ۹-۴	تصویر ۹-۳	تصویر ۹-۲	تصویر ۹-۱
تصاویر ۹. نقش بز سنگ نگاره های خوراوند خمین (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۵۶)			

به صورت طبیعی شبیه به سه گوش و مربع به سمت پایین و در نگاره (۲-۹) به صورت روبه رو ترسیم شده است. پاهای بز در این منطقه ترکیبی از خطوط ضخیم و نازک و برخی موارد، حسی از تحرک دارند. دم حیوان به سمت بالا با قوسی اندک کشیده شده و در برخی از نگاره ها در انتها به صورت دو شاخه ترسیم شده است.

محتوا و مضمون این نقوش غالباً صحنه هایی از چرا و شکارگاه بز کوهی یا احتمالاً برای کاربرد آیینی است.

سبک ترسیم: اجزای ترسیمی نگاره های این منطقه نسبت به کل نگاره بز القاکننده عنصر تجسمی سطح است و از عنصر تجسمی خط برای نشان بز در این منطقه کمتر استفاده شده است. شکل بدن بز ترکیبی از سبک های انتزاعی و واقع گرایانه است و این انتزاع خصوصاً در شاخ ها بیشتر دیده می شود. تصویر (۴-۹). شیوه اجرایی سنگ نگاره های کوه های خوراوند کنده کوبشی و کنده کاری است.

تشابهات و تمایزات نقش بز در مناطق بررسی شده

تفاوت عمده بدن نقش بز در مناطق دوگانه جنوب غرب ایران یعنی شوشتر و گتوند با مناطق مطالعه شده مرکزی ایران، ترسیم خطی نقش بز در منطقه خوزستان به ویژه اشکفت لم گردوی شوشتر است. به نظر می رسد یکی از دلایل ترسیم نقش بز با دو خط موازی در اشکفت لم گردو، راحتی حکاکی بر سنگ های ماسه آهکی این منطقه است.

تشابه شاخ های بز در مناطق مطالعه شده در تداوم شاخ تا انتهای دم در چند مورد و قوس و دنداندار بودن آنهاست و تمایز شاخ ها در واقع گرایي بیشتر در مناطق دوگانه شوشتر و گتوند و تنوع شکل و ترسیم آنها به صورت انتزاعی، غیر واقع گرایانه و شبه جادویی در نقش بزهای مناطق سه گانه مرکزی ایران است. تصویر (۱۰) مقایسه گرافیکی نقوش پنج منطقه را به وضوح نشان می دهد.



تصویر ۱۰. مقایسه گرافیکی نقوش شاخص پنج منطقه تطبیق یافته (ترسیم: نگارندگان)

همچنین در میان سه عنصر دیگر بز چون پوزه، پاها و دم حیوان، میان دو حوزه مطالعه شده، تفاوت معناداری

جدول ۱. تشابهات و تمایزات دو محوطه (منبع: نگارندگان)

استان	سنگ نگاره‌های منطقه استان خوزستان		سنگ نگاره‌های منطقه گلپایگان استان اصفهان و خمین استان مرکزی	
	اشکفت لمگرد و شوشتر	کیارس گتوند	تیمره گلپایگان	مزاین گلپایگان
غالب هر منطقه تصویر نقوش				
ساختار غالب طراحی بدن	طراحی ترکیبی از خط و سطح، بدن از زاویه نیم رخ و روبه رو، کشیدگی بدن بز، برخی از موارد بدون پوزه، دم با قوس اندک به سمت بالا و پایین و حس تحرك در برخی از تصاویر	طراحی اغلب به صورت سطح، بدن از زاویه نیم رخ، پوزه سه گوش و خطی، دم با قوسی اندک به سمت بالا و حس تحرك	طراحی ترکیبی از سطح و خط، ترسیم از نیم رخ، پوزه سه گوش و برخی بدون پوزه، دم با قوسی اندک روبه بالا و حس خیزش در نگاره	طراحی ترکیبی از سطح و خط، ترسیم از نیم رخ، پوزه سه گوش و برخی بدون پوزه، دم با قوسی اندک روبه بالا و حس حرکت در پاهای جلودر برخی از نمونه‌ها
شکل غالب شاخ	قوس کمانی و طبیعی به سمت عقب و واقع گرایانه	فرم شاخ‌ها به صورت کمانی اغراق آمیز تا انتهای دم، برخی در حالت طبیعی	شاخ‌ها بلند کمانی، قوس دار، اغراق آمیز، دو نمونه خاص چهار شاخ و لوزی.	شاخ‌های جفت بلند و کمانی، قوس اغراق آمیز، شاخ مدور به پهلوی، شاخ اغراق آمیز خطی و شبه جادویی به سمت بالا
تصویر غالب سبک	واقع گرایانه و انتزاعی خلاصه شده	واقع گرایانه و انتزاعی خلاصه شده	انتزاعی خلاصه شده و واقع گرایانه	انتزاعی خلاصه شده و واقع گرایانه
موضوع غالب تصویر	صحنه شکار و چراگاه	صحنه شکار و چراگاه	صحنه شکار و چراگاه	صحنه شکار و چراگاه
اجرا و حکاکی شیوه غالب	کنده کاری	کنده کاری و سایشی، کنده کاری	سایشی، کنده کاری و سایشی، کنده کاری	کنده کاری و کنده کاری

مشاهده نشده است. در هر دو حوزه مطالعه شده صحنه چراگاه و شکار بیستر نمایش بز کوهی بوده و شکل کلی بز به صورت انتزاعی یا واقع گرایانه به تصویر کشیده شده است. در برخی از نقش‌های بز در دو منطقه مطالعه شده، شکل کلی پای حیوان، القا کننده حرکت است. همچنین روش اجرایی سنگ نگاره‌ها غالباً به ترتیب بیشترین روش انجام، کنده کاری، کنده کوبشی و کنده سایشی بوده که به نظر می‌رسد با ضربات متوالی پی در پی با اجسام نوک تیز و سخت برسنگ‌ها و صخره‌ها ایجاد شده است. روش اجرایی هر دو منطقه به هم شبیه است، اما در مناطق سه گانه حوزه گلپایگان و خمین روش کنده کوبشی غلبه داشته که علت آن سختی سنگ‌های این منطقه بوده است. خلاصه تشابهات و تمایزات دو حوزه بررسی شده به لحاظ ساختار بصری، شکل شاخ، محتوی و مضمون و نیز تکنیک اجرایی در جدول (۱) مشخص شده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که تفاوت عمده دیداری نقش بز در دو منطقه مطالعه شده، به طور ویژه در عنصر شاخ

است که انواعی از آن از انتزاعی گرفته تا واقع‌گرایی به عنوان عنصر شاخص بز به ویژه بز نر در سنگ نگاره‌های مناطق مطالعه شده دیده شده است. شاخ به عنوان نماد مبارزه و قدرت بز، همواره نقشی نمادین، رمزآلود و جادویی داشته و نگارندگان این نقش‌ها به این عنصر همواره توجه ویژه داشته و بخشی از کارکرد نمادین نقش بز را با آن بازنمایی کرده‌اند. نمونه آن نقش انتزاعی شاخ‌های بز مناطق سه گانه گلپایگان و خمین در مرکز ایران است. دیگر تفاوتی که در نمایش تجسمی این نقش دیده شده اجرای خطی نقش بزهای اشکفت لمگرد و شوشتر و نیز کشیدگی بدن بز به ویژه در نقش‌های بز منطقه کیارس گتوند و اجرای غالب نقش بز با عنصر سطح در مناطق سه گانه مرکز ایران است. همچنین رسامی عنصر نرینگی جنبه‌ای دیگر از نمایش دیداری این نقش در منطقه کیارس است. وجهی دیگر از نمایش تجسمی نقش مطالعه شده، بز بدون پوزه و گردن بلند با شاخ‌های مدور در منطقه مزاین گلپایگان بوده است. در دیگر اجزا بدن بز چون دم، پوزه و پاها، نگاره‌های دو منطقه شبیه به هم بوده و تفاوت معناداری در میان نقوش آنها دیده نشد. تکنیک و تبحر ویژه حکاکان منطقه مرکزی ایران

در خلق انتزاعی و نمادین عنصر شاخ بز نشان از تفاوت بزهای این زیست بوم دارد که ممکن است دلیل آن تفکر انتزاعی نگارگران یا وجود چنین حیواناتی در این زیستگاه باشد. نمایش نقش بز در دو منطقه مطالعه شده اغلب در چراگاه و شکارگاه و سبک طراحی هر دو منطقه ترکیبی از واقع‌گرایی و انتزاع بوده و شیوه اجرایی این نقش در دو منطقه مدنظر، اغلب کنده‌کاری و کنده‌کوبشی است. بررسی کلی نقش‌های بز منطقه خوزستان به ویژه در محدوده اشکفت لم‌گردو این گمان را تقویت می‌کند که این بزها غیرکوهی یا اهلی و ترسیم‌کنندگان آنها شاید چوپانانی بوده‌اند که در هنگام چرای دام خود به تصویرگری روی آورده‌اند. همچنین نگاه حرفه‌ای تر نگارگران منطقه گلپایگان و خمین و ترسیم انتزاعی و خلاقانه شاخ‌ها این باور را القای کند که نگارندگان این نقش‌ها احتمالاً شکارچی یا افرادی خبیر به لحاظ توانایی ترسیمی بوده و بزرسامی شده آنها نیز بز کوهی است. فارغ از مقطع زمانی و نیز تقدم و تأخر خلق سنگ‌نگاره‌های دو منطقه که تاکنون زمان آنها مشخص نشده، به گمان نویسندگان میان نقش بز هر دو منطقه گونه‌ای پیوست و تداوم فرهنگی وجود دارد، دلیل این مدعا تداوم قوس شاخ بز تا انتهای دم یا شکل مدور آن در محدوده سر بز و تشابه شاخ اغلب بزهای دو منطقه بررسی شده این پژوهش با شاخ بز مدور لیوان هزاره چهارم قبل از میلاد، شوش خوزستان است.

پی‌نوشت

1 URL
2 Petroglyphs پتروگلیف یا کنده‌نگاره، آنچه درون سنگ بریده شده است؛ شامل کنده‌گری، شکاف‌دادن سنگ، نقر، سوزنی، ساییدن، خراشیدن یا نمادین سنگ و سیاه‌قلم. دسته دوم از نگاره‌های صخره‌ای را کنده‌کاری در برمی‌گیرد. چنان‌که بیشتر گفته شد، انواع کندن، ساییدن، خراشیدن، بریدن، خردکردن سنگ یا صخره که منجر به ایجاد شکل، نماد، تصویر یا نگاره‌ای از جانوران یا اشیای بی‌جان باشد در این دسته قرار دارد.

3 engraving

۴. دکتر علیرضا زراسوندی، استاد دانشکده زمین‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز است که این مطالب در گفت‌وگو با ایشان در فروردین سال ۱۴۰۱ بیان شده است.

۵. اشکفت به معنای غار است و در مناطق جنوبی ایران این واژه

برای غار کاربرد دارد (ashkaf lam gerdv)

۶. برخی از ارجاعات محمد ناصری فرد سنگ‌نگاره‌شناس ایرانی، از جمله این ارجاع، گزارش چند صفحه‌ای منتشر نشده‌ای است

که در میراث فرهنگی شهرستان شوشتر موجود بوده است.

منابع

- آیتی‌زاده، آنیسا (۱۳۹۳) «بررسی سنگ‌نگاره‌های باستانی اسبقته یزد» **جلوه هنر**، ۶(۲)، ۷۸-۹۲.
- آناتلی، امانوئل (۱۳۸۳) «هنر صخره‌ای»، ترجمه مه‌رمان هاشمی، **کتاب ماه هنر**، ۷(۷۱ و ۷۱)، ۱۱۰-۱۱۹.
- افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۱) «گلیم حافظ نگاره بز کوهی از دوران باستان»، **نگره**، ۷(۲۱)، ۵۵-۶۷.
- بهنود، مهسا؛ افضل طوسی، عفت السادات؛ موسوی‌لر، اشرف السادات (۱۳۹۵) «بررسی سیر تاریخی تحول نقش بز کوهی در دوره ساسانیان»، **جلوه هنر**، ۸(۲)، ۲۹-۴۰.
- چیت سزایان، امیرحسین؛ روستایی، محبوبه (۱۳۹۲) «بررسی و تحلیل چگونگی ترسیم نمادین نقوش حیوانی سفالینه‌های قرون ۳ و ۴ق ایران» **پیکره**، ۲(۳)، ۵-۱۶.
- حصاری نوری، علیرضا (۱۳۸۲) «سنگ‌نوشته‌های کوه رمه» **فرهنگ یزد**، ۵(۱۴ و ۱۵)، ۱۱۵-۱۲۱.
- رشیدی، پریسا (۱۳۹۴) **بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های تیمره و قابلیت‌های آن در گرافیک**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ارتباط تصویری (گرافیک)، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- زراسوندی، علیرضا (۱۴۰۱) گفت‌وگو با دکتر علیرضا زراسوندی در خصوص جنسیت سنگ‌های مناطق بررسی شده در پژوهش.
- سبزی، موسی؛ همتی ازندریانی، اسماعیل (۱۳۹۹) «بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های بروجرد»، استان لرستان، **پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران**، ۱۰(۲۵)، ۹۱-۱۱۲.
- سرمدی، مجتبی، (۱۳۹۴) **نمادشناسی نقش بز کوهی در سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ منطقه تیمره استان مرکزی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش هنر، دانشکده پردیس باغ ملی، دانشگاه هنر.
- شیخ‌اکبری‌زاده، سمیرا؛ امیرحاجیلو، سعید؛ عرب، حسنعلی (۱۳۹۲) «مطالعه تفسیرگرایانه صخره‌نگاره‌های نویافته زه کلوب جازموریان»، **مطالعات ایرانی**، ۱۲(۲۴)، ۱۹۵-۲۱۶.
- صادقی، سارا؛ قربانی، حمیدرضا؛ هاشمی زرج‌آبادی، حسن (۱۳۹۴) «بررسی نقش مایه‌های سنگ‌نگاره آسودر شهرستان بیرجند»، **مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان**، ۹(۴)، ۷۵-۹۶.
- صادقی، سارا؛ قربانی، حمیدرضا؛ هاشمی زرج‌آبادی، حسن (۱۳۹۴) «بررسی و مطالعه تطبیقی نقوش حیوانی و انسانی سنگ‌نگاره‌های شرق ایران مطالعه موردی: سنگ‌نگاره آسو، رامگان ۲، تنگه پنجه‌شیر، جاده آسداآباد، دره انجیر بالاخ مزار»، **پژوهش هنر**، ۵(۱۰)، ۵۵-۷۲.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۸) «شمایل‌شناسی نقش مایه بزکوهی در سنگ‌نگاره‌های جربت»، **پژوهش‌نامه خراسان بزرگ**، ۹(۳۶)، ۱۲۷-۱۱۵.
- علیرزاده، الهام (۱۴۰۰) گفت‌وگو با الهام علیرزاده کارشناس باستان‌شناسی، میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری شهرستان شوشتر
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۴) «گمانه‌ها و چون و چراهایی بردیدگری‌های

- al Conference on Archeology of Iran, Mashhad, Iran.* (Text in Persian)
- Maheri, S. M. H. (2012). *Noverbal Communication Symbols of Stone Scenes in Timareh of Golpaygan*, Thesis for Master, Faculty of Psychology and Social Sciences, Department of Social Communication, Azad Univercity, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Text in Persian).
- Najafi, F. (2021). An Analytic-contrastive Study on Goat Motifs in Petroglyphs in Shotorsang Area in Khorasan Razavi and Similar Motifs in Other Regions in Iranian Plateau, *Negareh Journal*, 15(56), 89-107 (Text in Persian).
- Naseri Fard, M. (2009). *Iran Petroglyphs (Ideogram Symbols)*, Tehran: Khomein (Text in Persian).
- Naseri Fard, M. (2011). *Ashkoft Lam Gerdoo Petroglyphs of Shushtar*, Exclusive Archive of Shushtar Cultural Heritage, 2-3 (Text in Persian).
- Rashidi, P. (2014). *Review and analysis of Timreh Petroglyphs and its Capabilities in graphics*, Thesis for the Master Degree, Visual Communication(-Graphic), Faculty of Arts and Architecture, Islamic Azad University, Yazd (Text in Persian).
- Sabzi, M., Hemati Azandaryani, E. (2020). Investigation and Analysis in the Boroujerd's Petroglyphs, Lorestan Province, *Pazhoheshha-Ye Bastan Shenasi Iran*, 10(25), 91-112. doi: 10.22084/nbsh.2019.17643.1844 (Text in Persian).
- Sadeg, S., Ghorbani R.H., Hashemi H. (2015). Comparative Research on Animal and Human Motifs on Rock Paintings of East of Iran (Case Study: Aso petroglyph, Ramgan 2, Panjashir Strait, Asadabad Road, Anjir Balakh Mazar Valley), *Pazhohesh-e Honar*, 5(10), 55-72. (Text in Persian).
- Sadeghi, S, Gorbani, H, Hashemi Zarjabad. (2015). Investigating the Motifs of Asu Rock Paintings in Birjand City, *Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan*, 9(4), 75-69 (Text in Persian).
- Sarmadi, M. (2015). *The Symbolism Study of Prehistoric Ibex Petroglyph in Teimare Region of Markazi Province*, Thesis for M.A Degree, Art Research, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran (Text in Persian).
- Sheykhakbarizadeh, S., Amirhajilo, S., Arab, H. (2013). An Interpretative Study of the Newly-Discovered Rock Inscriptions in Zehkaloote in Jazmoorian, *Journal of Iranian Studies*, 12(24), 195-215. doi: 10.22103/jis.2013.802 (Text in Persian).
- Taheri, S, Mardani, A. (2019). Iconology of Capra Motif in Petroglyphs of Jorbat, *Journal of Greater Khorasan*, 9(36), 115-127 (Text in Persian).
- Zarasvandi, A. (2021). Interview with Dr. Alireza Zarasvandi about the Material of Rocks regarding the Study Area.

URLs:

URL1-sokhango.blogfa.com/post/ تاریخ دسترسی 784.1401 /20/1

- نقوش صخره‌ای تیمره، *علوم اجتماعی*، ۵۱، (۹)، ۹۰-۵۱.
- _____ (۱۳۷۴) «موزه‌هایی در باد: معرفی مجموعه عظیم سنگ‌نگاره‌های نویافته تیمره»، *علوم اجتماعی*، ۴، (۷ و ۸)، ۱۳-۶۱.
- قسیمی، طاهر (۱۳۹۸) «سیری برهنر صخره‌ای»، *باستان‌شناسی*، ۳، (۲)، ۲۵-۴۷.
- کریمی، لیلا (۱۳۹۴) «بررسی نمادها و نقوش سنگ‌نگاره‌های تیمره»، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، (۲)، ۱۰-۱۷.
- ماهری، سیدمحمدحسین (۱۳۹۱) *بررسی نمادهای غیرکلامی سنگ‌نگاره‌های منطقه تیمره گلپایگان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، گروه ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- ناصری فرد، محمد (۱۳۸۸) سنگ‌نگاره‌های ایران (نمادهای اندیشه‌نگار) تهران: خمین.
- _____ (۱۳۹۰) «سنگ‌نگاره‌های اشکفت لم گردوشوستر» آرشبو اختصاصی میراث فرهنگی شوستر، ۲-۳.
- نجفی، فرزانه (۱۳۹۹) «مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقوش بز در سنگ‌نگاره‌های منطقه «شترسنگ» خراسان رضوی با نقوش مشابه در فلات ایران»، *نگره*، ۱۵، (۵۶)، ۸۹-۱۰۸.

References

- Afzaltousi, A. (2012). Rug the Preserver of Wild Goat Figure since the Ancient Times, *Negareh Journal*, 7(21), 55-67. (Text in Persian).
- Alizadeh, E. (2021). Interview with Elham Alizadeh, Archaeologist, *Cultural Heritage of Handicrafts and Tourism Of Shushtar City*, Shushtar, Iran.
- Anatoly, E. (2004). Rock Art, Translated by Mehran Hashemi, *Ketabe Mahe Honar*, 7(71), 110-119. (Text in Persian).
- Ayatizadeh, A. (2015). Studying Petroglyphs of Asbaqth of Yazd. *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 6(2), 81-95. doi: 10.22051/jjh.2014.56 (Text in Persian).
- Behnood, M., Afzal Tousi, E., Mousavi Lar, E. (2015). A Cross Historical Inverstigation on Goat Motif Desing Evilution (5000 B.C.-The Sassanids Empire), *Glory of Art(Jelve-y-honar)*, 8(2), 29-42 doi: 10.22051/jjh.2017.6252 (Text in Persian).
- Chitsazian, A., Roostae, M. (2013). Assessment and Analysis Of Symbolic Drawing of Animal Motifs (Paintings) Onpotteries of 3rd and 4th Centuries (AH) in Iran, *Peykareh Journal*, 2(3), 5-16)Text in Persian).
- Farhadi, M. (1997). Guesses and Evaluations about Rock Engravings of Timareh, *Social Sciences*, 5(9), 51-90 (Text in Persian).
- Farhadi, M. (1999). Museums in Wind: Introducing the Vast New-Found Rock Engravings of Timareh, *Social Sciences*, 4(7 & 8), 13-61 (Text in Persian).
- Ghasimi, T. (2019). An Overview Rock-Art, *Archaeology*, 3(2), 25-47 (Text in Persian).
- Hessari Nouri, A. (2003). Inscriptions of Mount Rameh, *Yazd Culture*, 5(14 & 15), 121-115 (Text in Persian).
- Karimi, L. (2015). A Study of the Symbols and Patterns of Timareh Petroglyphs, *The Second Nation-*

Visual matching of goat's pattern on Petroglyph of Lam ger-doo and Kiars on Khuzestan with Petroglyph of Teimare, Mazayen and Khoravand on Isfahan and Markazi Province¹

Khadijeh AshtariLarki²
Mansour KolahKaj³

Received: 2022-01-11
Accepted: 2022-05-14

Abstract

All textual and pictorial motifs on boulders, rocks within caves, stone inscriptions, and the like are carved or engraved, and are referred to as 'petroglyphs.' The petroglyphs are the oldest and most durable substrate for the recording of human images, and the most common petroglyphs are generally goat's pattern, particularly male goats. The goat's pattern has been a vivid presence in Iranian visual culture for a long time, with its oldest sample discovered on petroglyphs. This pattern may also be seen on a variety of containers, woven handcraft, fabrics, coins, and other pictorial products. Rocky paintings are frequently a realistic combination of patterns of animals, humans, plants, and symbolic or textual components like inscriptions.

Petroglyphs are often classified into two types: mountainous/desert petroglyphs and urban/rural petroglyphs. The first example is mountainous and desert rocks that have been painted or engraved in the location of the stone, namely the mountain or desert. Another example is the transmission of boulders from the mountainside to urban and rural regions, where they are painted after being transferred to the city or hamlet. The most well-known examples in Iran are the Izeh rocks in Khuzestan, Ganjnameh in Hamedan, and the tombstones in numerous Iranian graveyards. Typically, mountainous rocks depict images of human and carnivorous animal goat hunting, meadows, ceremonies, written inscriptions, or levees. Poems, religious themes, virtues, orisons, prayers, and coded and symbolic numbers are also inscribed on the rocks on the graves and in the city.

This research aims to provide a better image of goat painting in Persian civilization and understanding of Persian petroglyphs, with special attention on the desert and rocky stones painted with pattern of the goat.

As a result, we examined the assessment of two rocky and desert Petroglyphs in Iran, the Shoushtar and Gotvand region in Khuzestan province and the Golpayegan and Khomein area on the common boundary of Isfahan and Markazi provinces.

Petroglyphs in Khuzestan province include 'Eshkaft lam Gerdoo' in the Shoushtar region and 'Dare Kiars' inside Gotvand. Petroglyphs of Isfahan and Markazi Provinces also include "Teimare and Mazayen in the region of Golpayegan city in Isfahan and Khoravand in the north of Khomein city in Markazi province".

This research answers the topic of how visually and thematically the goat's pattern was produced, as well as the form and style of implementation and display of this pattern in these areas. The pattern of the goat in these Petro-

1. DOI: 10.22051/JJH.2022.39128.1743

2-MA., Student, Department of Art Research, Faculty of Art, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: kashtari8@gmail.com

3-Assistant Professor, Department of Graphics, Faculty of Arts, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, Corresponding Author.. Email: M,kolahkaj@scu.ac.ir

glyphs is explicitly investigated in this research, and other images and the symbolic purpose were not considered. Aesthetics, theme analysis, symbolism, semiotics, and other studies have been undertaken on the Petroglyphs from various sections of Iran. Previous studies have mostly concentrated on reporting mostly on the state of the two locations and have not taken into account the iconic analysis of these motifs. This issue is distinguished by its conformity with four details: structure, content, and material, drawing style, technical methodology with a visual appearance, and research method with a specific view of prior study are conducted.

4. Research Methodology

The current comparison study has a core objective and a qualitative approach. This study's information comes from textual library sources, specialist articles in credible scientific and information databases, as well as some field resources. The goat pattern in Petroglyph of two locations surveyed was analyzed and established utilizing visual evidence in this approach. This survey's statistical population comprises five Persian rocky zones with multiple stone carvings and an abundance of goat patterns. There are a total of 26 Petroglyphs in the region of Shoushtar's lam Gerdoo, 10 of which are goats and 16 of which are carnivorous and sumpter animals.

In the area's Petroglyphs, there is also a realistic human-like pattern carrying something like a bow. The Kiars region also has 11 paintings, 9 of which show goats, while two others depict a sumpter animal and a human with a sling instrument. On the other hand, because of the availability of goat patterns in this region, and in order to avoid repetition and resemblance, a total of 16 goats in a variety of settings of this area were chosen, of which five patterns were chosen from the Timar region, seven from the area of the dare Mazayen, and four from the Khoravand Mountains.

Conclusion

The study's findings revealed that the main visual difference between goat patterns in the two places analyzed is primarily in the horn element, which ranges from abstract to realism as an indicator element of goats, particularly male goat, in the rock items under consideration. The horn has always played a symbolic, enigmatic, and magical role as a sign of the goat's battle and power, and the actors of these roles have always paid special attention to this aspect and portrayed part of the symbolic role of the goat's pattern.

The abstract pattern of goat horns in central Iran's three districts of Golpayegan and Khomein is one sample. The linear performance of the goat and the stretch of the goat's body, notably in the pattern of the goats in the Kiars Gotvand area, and the dominating pattern of goat with the surface element in the triple areas of central Iran, are two more differences in the visual play of this pattern. Another part of the visual portrayal is painting the element of masculinity in the Kiars region.

Another feature of the study was a goat without a muzzle, a long neck, and circular horns in the Mazayen area of Golpayegan. In the two locations, the motifs were identical in other parts of the goat's body, such as the tail, muzzle, and legs, and there was no major variation in their themes.

The expertise and methods of engravers in the central area of Iran in the abstract and symbolic construction of goat horn show a distinction between goats, which might be attributable to the artists' abstract thinking or the presence of such animals in this location.

In both analyzed areas, the goat pattern is frequently a blending of realism and abstraction in the meadow and hunting style, and the execution method of this pattern is frequently carving and percussion.

The whole pattern of goats in the Khuzestan region, particularly in the Lam gerdoo area, confirms that these goats were neither antelopes nor domestic, and that their drawers were likely shepherds who turned to drawing during their grazing. Furthermore, the more professional perspective of the Golpayegan and Khomein painters, as well as the abstract and inventive drawing of the horns, leads to the conclusion that the creators of these patterns are most likely hunters or drawing experts, and their painted goat is an antelope.

Regardless of the time and precedent of the Petroglyphs in the two regions that have yet to be specified, there is conjecture between the goats and the cultural continuity, the continuation of the arc of the goat horn to the end of the tail or its circular form within the goat's head and the resemblance of the horn of many of the two goats analyzed by the circular goat horn on the glass in the fourth millennium BC, Shoushtar district of Khuzestan, are the reasons for this statement.

Keywords: Goat, Goat role, Kiarsogtvand, Shushtar walnut, Khomein, Golpayegan, Mazayen, Timareh, Khoravand